

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۱، ش ۳ (پیاپی ۲۴)، زمستان ۱۳۹۹

صص: ۳۰-۱۱

شاپا: ۸۴۵۷-۲۲۵۱

معرفی ادبیات سفرنامه‌ای و تحلیل تطبیقی سفرنامه ناصر خسرو و نزاری قهستانی

معصومه پورسید

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران
دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده (نویسنده‌ی مسئول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران

دکتر محمدرضا شریفی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

چکیده

سفرنامه‌نویسی که از فروع زندگی‌نامه‌نویسی است همواره مورد توجه اهل قلم بوده است و نویسندگان و شاعران ملت‌های مختلف از موضوع سفر برای انتقال پیام خود سود جست‌ه‌اند. سفرنامه‌ها به لحاظ بلاغت و کاربرد زبان به عنوان آثار برجسته‌ی ادبی نیز محسوب می‌شوند. رویکرد جستارحاضر معرفی سفرنامه‌های ادبی است. سفرنامه‌ی «نزاری قهستانی» از شاعران قرن هفتم براساس سفرنامه ناصر خسرو مورد تحلیل قرار گرفت. دو اثر به صورت مطالعه‌ی موردی برگزیده شدند تا به الگوی ساختاری واحدی در حوزه خاطره‌انگاری دست یابیم. در این پژوهش برآنیم تا بدانیم سفر ادیبان چه تأثیری در مضامین ادبی آثار آنها داشته است و تا چه میزان بر غنای ادبیات افزوده است. نتیجه یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سفرنامه ناصر خسرو به‌ترین و کامل‌ترین الگوی سفرنامه‌نویسی است و علاوه بر نثر می‌توان سفرنامه‌هایی به نظم نگاشت. همین‌طور سفرنامه‌هایی در رده آثار ادبی قرار می‌گیرند که رسا و بلیغ باشند و جزئیات را با شگردهای ادبی بیان کنند.

واژگان کلیدی: ادبیات سفرنامه‌ای، ناصر خسرو، نزاری قهستانی، سفرنامه

Email: pourseyed7@gmail.com

dmodarreszadeh@yahoo.com

sharifi12367@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۱

۱- مقدمه

در این جستار برآنیم تا نگاهی به ادبیات سفرنامه‌ای بیاندازیم. آثار سفرنامه‌ای را که تاکنون از دیدگاه علوم مختلف مانند جامعه‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، معماری، نقاشی واکاوی شده بودند از منظر ادبی بررسی نماییم. «سفرنامه‌ها مهم‌ترین ابزار شناخت فرهنگ و ملل گوناگون می‌باشند. در ادبیات جهان چه شرق، چه غرب و یا متأخر به آثار متعددی برمی‌خوریم که محور و طرح اصلی داستان را سفر تشکیل می‌دهد. گذری بر مجموعه ادبیات داستانی جهان نشان می‌دهد که سفرحادثه اصلی داستان‌ها و رمان‌ها است» (یاوری، ۱۵-۱۶: ۱۳۹۱).

فرض ما برآنست که این نوع از نوشته‌ها به آن دلیل دارای اهمیت‌اند که ضمن آن‌که اطلاعات بسیاری را در موضوعات نام برده شده در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند، موجب گسترش ادبیات در حوزه داستان‌نویسی و خاطره‌نویسی نیز خواهند شد. با توجه به بررسی‌ها، برآنیم که آن‌ها از ساختار واحدی پیروی می‌کنند، آن‌چه آن‌ها را از هم متمایز می‌نماید طرز بیان و قالب، تعابیر و اصطلاحات آنهاست. می‌خواهیم بدانیم عناصر مشترک آنها چیست؟

با توجه به پیشینه تحقیق پژوهشی در مورد بررسی ساختار سفرنامه‌ها صورت نگرفته است اگر هم نگاهی بود در حوزه پایان‌نامه‌ها، با رویکرد بررسی سفرنامه‌ها در تاریخی خاص مانند: صفویه، قاجاریه و معاصر انجام شد. یا به صورت موردی از تأثیر سفر بر نثر فارسی سخن رانده‌اند یا دید آن نگاشته‌ها در علوم اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، هنر و معماری و ادبیات عرب و... بوده است. تألیفات انجام شده به دو دسته‌اند:

۱-۱- کتاب‌ها

۱- بررسی سفرنامه‌ها دوره‌ی صفوی به کوشش منوچهر دانش‌پژوه (۱۳۸۵) متن‌هایی از سفرنامه‌ها آمده است. خاطرات نویسی ایرانیان، برت‌گ. فراگتر ترجمه‌ی مجید جلیلود مجموعه‌ای از خاطرات و سفرنامه‌های دوره‌ی قاجار (۱۳۷۷). ۳- نگاهی نو به سفرنامه‌ی ناصرخسرو شامل متن سفرنامه، شیوه نگارش و نکات ادبی (۱۳۷۲). سفرنامه حج رسول جعفریان ۴- تحلیل انتقادی سفرنامه ناصرخسرو دکتر جعفر شعار (۱۳۷۱). ۵- سفرنامه‌ها و ادبیات سفرنامه‌ای اروپاییان عصر صفوی پیترو دلاواله ترجمه حمید حاجیان پور (۱۳۸۶).

۱-۲- رساله‌ها

۱- بررسی محتوایی سفرنامه‌های اروپاییان عصر قاجار (گزیده سفرنامه‌ها). ۲- سیری در سفرنامه‌های خارجی‌ان. ۳- ساختار روایی سفرنامه‌های حج. ۴- تأثیر سفرنامه‌ها بر نثر فارسی در دوره‌ی قاجار. ۵- بررسی وضعیت زنان در عهد صفویه از منظر سفرنامه نویسان

خارجی. آثار منتشر شده بخشی از مباحث مطرح شده در مقاله را شامل می‌شوند و از نگاه ادبی بررسی نگردیدند.

در پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی انجام گردید، ده سفرنامه مورد مطالعه قرار گرفتند و از بین آنها دو اثر انتخاب شد. تا بینیم برای نوشتن گزارش سفر چگونه نثری گویاتر است؟ برای نگارش سفرنامه از چه الگوهایی باید پیروی کرد؟ و در نهایت آشنایی با نوشتن سفرنامه به نظم.

۱-۳- معرفی دو اثر مورد تحلیل نوشتار حاضر

۱-۳-۱- سفرنامه ناصر خسرو از حکیم ابومعین حمیدالدین ناصر خسرو بن خسرو قبادیانی مروزی، که در ذی القعدة ۳۹۴ هجری قمری دیده به جهان گشود و به سال ۴۸۱ در یمگان بدخشان از دنیا رفت. ناصر خسرو از شاعران معروف قرن پنجم و از سخنوران و فرزندگان گران مایه‌ی ایران است. کتاب او گزارشی است از سفرهای هفت ساله‌اش به ایران و آسیای صغیر و شامات و مصر و عربستان به همراه برادرش و یک غلام هندی. در طول سفر روز به روز یادداشت‌هایی را می‌نوشت و بعد از سفر اولین کتاب منثور او نگاشته شد. «چون ناصر مسیر عادی و تکراری خانه و دربار را در رفت و آمد نبوده است و با مردم کوی و بازار همراه و هم‌دم بوده است تصویرهای عادی از زندگی مردم و تکیه کلام‌ها و اصطلاحات آنها و نیز نام ده‌ها گل و گیاه و پرنده و دیگر جانوران در دیوانش آمده است» (مدرس زاده، ۶: ۱۳۹۳).

۱-۳-۲- سفرنامه نعيم الدين نزاری قهستانی (متولد حوالی ۶۴۵هـ در بیرجند، وفات ۷۲۰هـ). «سال تولدش مقارن است «با تاریخی که هلاکوی مغول برای اتمام فتح ایران و بر انداختن مذهب اسماعیلی مأمور شده بود. با این حال، خاندان نزاری بر مذهب خود باقی مانده و شمس الدین محمد، پدر شاعر که مدتی از دوران شاعری پسر را درک کرده بود، به تربیت او همت گماشت. شاعر در جوانی، ادبیات و علوم متداول زمان را در قهستان فرا گرفت و از عهد شباب به خدمات دیوانی پرداخت» (صفا، ۷۳۳-۷۳۹: ۱۳۶۹).

«شاعری است بی‌پروا و آزاد اندیشی مستور در زیر پرده‌ی تعلیمات اسماعیلی، هر چند که اعتقادش به همین مذهب هم کاملاً مسلم نیست» (یان ریپکا، ۳۶۰: ۱۳۸۱). کتاب سفرنامه او، گزارش یکی از سفرهایش است به شمال ایران و قفقاز به نظم در بحر رمل مسدس مقصور در هزار و دویست بیت. نزاری در این سفر که از شوال ۶۷۸ ق آغاز شد و دو سال به درازا کشید در ابتدا از شهر تون همراه تاج‌الدین عمید، پسر شاه شمس‌الدین علی برای دیدن ایران شاه به اصفهان رفت و سپس رهسپار تبریز شد و به ملازمان شمس‌الدین جوینی (۶۸۳-) پیوست و در ملازمت او از تبریز به آران، گرجستان، ارمنستان، باکو، اردبیل

و ابهر سفر کرد و سرانجام به قهستان بازگشت.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- انواع سفرنامه‌ها

حقیقت‌مانندی

آنهايي که واقعي‌اند يا خيالي و يا عرفاني- خيالي يا ترکيبي از هر چند مورد. خيالي‌ها و دنياي ذهن، اوهام و آرزوها را انعکاس مي‌دهند. اين گونه از سفرنامه‌ها که اغلب به صورت قصه يا تمثيل بيان مي‌شود، گزارشي از ذهنيات نويسنده است درباره‌ی امری باطني و اعتقادی، نظير آثاري چون کتاب اردا ويرا فنامه، که موضوع آن سفر معنوي يا معراج است. کمدی الهی دانته سير اديب نامور ايتاليایي به دوزخ و برزخ و بهشت. سير العباد الی المعاد سنایی. شاعر از بن مایه‌ی سفر برای بيان مفاهيم عرفاني سود جسته است. در آن جا نفس اسير به دنبال راهنما و راهبر مي‌گردد. مثنوی منطق‌الطير عطار. اسکندرنامه نظامی، بخش شرفنامه که در توصيف سفرهای اسکندر و فتح ممالک و بازگشت او به روم است و هفت پیکر نظامی. رمان خيالي با موضوع سفر مانند «سياحت‌نامه ابراهيم بيک از زمره معروف‌ترين و مؤثرترين آثار ادبيات سياسي- اجتماعي مشروطه است بری آن را رمانی اجتماعي انتقادی مي‌دانند» (آغاجري، ۵: ۱۳۵۷). نمونه‌های ديگر اورازان، تات نشين‌های بلوک زهرا، خسی درميقات از جلال آل احمد، آنک پاریس، روزهای کاتالونيا، ديدار با اژدها، از دهلی نو تا آتن، يورکنامه نو از دکتر کزازی و... از سفرنامه‌های ترجمه شده نیز شازده کوچولو، بيست هزار فرسنگ زیر دريا، دور دنيا در هشتاد روز به عنوان نمونه‌ای از سفرنامه‌های خيالي می‌توان نام برد.

۲-۲- مضمون

تاريخی، ادبی، داستانی، سياسي- اجتماعي، مذهبي (سفرنامه‌های حج)

۲-۳- قالب و نوع بيان نظم يا نثر

۲-۴- انگيزه‌های سفر

اهداف سفر با توجه به دوره‌های زمانی مختلف متفاوت است. به طور کلی اين گونه‌اند:

۲-۴-۱- سفر برای تحصيل

سعدی از جهان گردان کم نظير که سی سال از عمر خود را در سفر گذراند، بخش زیادی از آن را به تحصيل دانش در نظاميه بغداد و تدريس در دانشگاه آن جا اختصاص داد.

۲-۴-۲- سفر به قصد کشور گشایی‌ها

مانند حملات اسکندر که در اسکندرنامه نظامی هم انعکاس یافته است.

۲-۴-۳- سفر برای دیدار معشوق هم چون جستجوی مولانا در یافتن شمس و سفرش به شام و... بنا بر توصیه استادش سید برهان الدین محقق ترمذی.

۲-۴-۴- سفر شاعران در همراهی پادشاهان در جنگ‌ها

آنها جهت تضعیف روحیه دشمن شعر می‌سرودند، هم‌چون سفر انوری به خوارزم با سنج در سفری که به قصد سرکوب اتسز رفت.

۲-۴-۵- سفر به قصد زیارت

سفرهای خاقانی و مولانا و ناصر خسرو به حج

۲-۴-۶- سفر به قصد معارضه

«تذکره نویسان نوشته‌اند که اثیر (اخسیتی) بقصد معارضه با خاقانی از خراسان آهنگ شروان کرد و در راه به خدمت ارسلان بن طغرل پیوست» (صفا، ۲۹۶: ۱۳۸۳).

۲-۵- ادبیات سفرنامه‌های

۲-۵-۱- سفرنامه‌های منثور

مطالعه‌ی و بررسی کتاب‌های تاریخ ادبیات نشان می‌دهد که «از عصر طاهریان و صفاریان و اوایل دوره‌ی سامانیان کتب منثور در دست نیست. هر چند از وجود نثر در این ادوار مطمئنیم. مقصود این است که ایران با آن سابقه‌ی ممتد فرهنگی نمی‌توانست چند قرن بدون تألیف و تصنیف باشد منتها بسیاری از آثار کهن به دلایل متعدد در حمله‌ی مغول باقی نمانده است» (شمیسا، ۱۵: ۱۳۸۸). بنابراین سفرنامه نویسی ادبی با ظهور سفرنامه ناصر خسرو آغاز می‌شود. دیگر آثار به ترتیب زمانی بدین شرح اند: «مسافرنامه جلال‌الدین حسین بخارایی معروف به جهانیان جهانگشت (۷۸۵ق) به نثر سفرنامه گونه‌ای است عرفانی در گزارش دیدنی‌ها و گفتگوهای او در سفرهایش به مکه، مدینه، مصر، شهرهای فلسطین، جزیره، بخارا، خراسان و جاهای دیگر. سفرنامه منثور غیاث‌الدین نقاش، چکیده‌ی آن در مطلع سعدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶-۸۸۷ق) آمده است. بدایع وقایع از زین‌الدین محمود واصفی هروی در سرگذشت، دیده‌ها و شنیده‌هایش. سفرنامه‌ی الوغ بیگ معروف به دون ژان ایرانی. انیس الحجاج از صفی بن ولی قزوینی در گزارش سفر خود از هند به مکه و مدینه در ۱۰۸۷ق نوشته است. مسالک المحسنین از سفرنامه‌های فارسی سده‌ی دوازدهم هجری است. اثر عبدالرحیم ابن شیخ ابوطالب نجار تبریزی» (انوشه، ۸۲۰: ۱۳۷۶).

۲-۵-۲- سفرنامه‌های منظوم

این نوع از سفرنامه‌ها معمولاً در قالب مثنوی سروده شده‌اند. نخستین سفرنامه منظومی

که در دست است تحفه العراقین، سروده خاقانی شروانی است. در شرح نخستین مسافرت خاقانی به مکه و عراقین. در وصف هر شهر و از رجال و افراد سرشناس آن نیز یاد کرده و در آخر هم ابیاتی در حسب حال خود آورده است. پس از او سفرنامه نزاری قهستانی (م. ۷۲۰ ق) است. از دیگر سفرنامه‌ها: «منظومه چهارتخت از امیر سیدحسین ابیوردی در سده نهم هجری که بیشتر وصف دیده‌هایش در سفرهای خود به مکه و مدینه، استانبول، سوریه، حلب، شام، بیت المقدس، و آذربایجان و خراسان است. سفرنامه گونه‌ی فتوح الحرمین در قالب مثنوی درباره‌ی مناسک، آداب و اسرار حج از محی‌الدین لاری (۹۳۲ ق) در نیمه اول سده دهم هجری. مظهر گل / مثنوی در وصف بنگاله از آب و هوا، زمین، گل‌ها، میوه‌ها، جانوران و حالات سفر در سده‌ی یازدهم هجری، که ابوالبرکات منبر لاهوری (۱۰۵۴ ق) در ۱۰۴۹ ق آن را سرود. (انوشه ۱۳۷۶: ۸۲۰) «سفر به هند از حسرت مشهدی، سفرنامه‌ی منظوم خراسان (۱۱۳۳ ق) از محمد داوود اصفهانی، سفرنامه‌ی کرمان (۱۲۶۴ ق) از ثاقب آشتیانی، سفرنامه‌ی فرنگ ناصرالدین شاه (۱۲۹۰ ق) از عیوق و سفرنامه‌ی ظفری (تحفه السالکین ۱۳۲۴ ق) از سردار مؤید ظفر علی شاه» (کراچی، ۶۹۳: ۱۳۸۸).

۲-۶- آثار ادیبان با مضمون سفر

متأخرینی هم‌چون سهراب، مضمون سفر را به‌عنوان راهی جهت خودشناسی و تکامل روح بر می‌گزینند. در شعر «مسافر» به سفر می‌پردازد و مقصد شاعر در سفر رویایش بازگشت به جایی است که از آن دور افتاده است.

۲-۶-۱- سفر ادیبان و نویسندگان عامل خلق آثار ادبی

نویسندگان و شاعران بسیاری در دوره‌های گذشته یا معاصر در آثار خود از موضوع سفر بهره برده‌اند مانند «سعدی که چهارده نوبت به حج رفت و برای جهاد به سوی روم و هند رهسپار شد و نتیجه تجاربی را که در محافل، شهرها و کشورها به‌دست آورده در کتاب‌های بوستان و گلستانش انعکاس داده است» (یاوری، ۱۷: ۱۳۹۰). در گلستان می‌گوید: «فوائد سفر بسیار است از نزهت خاطر و جرّ منافع و دیدن عجایب و شنیدن غرایب و تفرّج بلدان و مجاورت خلّان و تحصیل [جاه] و ادب و مزید مال و مکتسب و معرفت یاران و تجربت روزگاران، چنان که سالکان طریقت گفته‌اند: تا به دکان و خانه در گروهی / هرگز ای خام، آدمی نشوی. برو اندر جهان تفرج کن / پیش از آن روز کز جهان بروی» و یا «هرگز حکم آب روان با حکم [آب] ایستاده برابر نیست» (سعدی، ۱۲۰: ۱۳۸۴).

سفر سنایی «یادگارهای پُر ارزش این سفر دراز مقداری از قصائد و اشعار سنایی است که در خراسان سرود، و کارنامه بلخ که در شهر بلخ ساخته است. امر مهم‌تری که در زندگی سنایی اثر فراوان کرده و برای او در همین سفر حاصل شد، تغییر حال و مجذوبیت

اوست که مخصوصاً بر اثر معاشرت با دسته‌ای از رجال مهذب در بلخ سرخس و مرو حاصل گردید و آثار این معاشرت‌ها و ارتباط‌ها در اشعار و نامه‌های باز مانده‌ی او مشهود است» (صفا، ج ۱/ ۲۷۴: ۱۳۸۳).

۲-۷- سفر عامل تغییر سبک ادبی

سفر شاعران به هند عامل ایجاد سبک هندی در ادبیات ایران گردید. رواج سفر و سفرنامه نویسی عامل ساده نویسی در عصر قائم مقام فراهانی شد.

۲-۸- نگاهی به سفرنامه‌ی ناصر خسرو

۲-۸-۱- انگیزه‌ی سفر

در بسیاری از کتاب‌ها قصد سفر او را تحول روحی‌اش می‌دانند. و آن پس از خوابی بود که او را دست‌خوش حالتی عرفانی نمود به گونه‌ای که شادکامی و خوشی جوانی را به کناری گذاشت و عزم سفر خانه خدا کرد. دکتر جعفر شعار معتقد است «در نتیجه تحول اندیشگی به قصد سفری دور و دراز خانه و کاشانه و دیار خود را ترک کرد... به درستی روشن نیست که از آغاز قصد سفر حج داشته یا آن که مقصدش مصر بوده است» (شعار، ۱۹: ۱۳۷۱). و بدین ترتیب جای شبهه است که آیا در سفرنامه متن‌هایی الحاقی داریم که بعدها بدان افزوده شده است؟

۲-۸-۲- ویژگی‌های سفرنامه

در میان آثار منشور ناصر، سفرنامه از ویژگی‌های ممتازی برخوردار است که نه تنها در آثار خود او بلکه پس از او بی‌ظنیر است. در میان الفاظ و عبارات و توصیفات سفرنامه، مردی چهره می‌نماید، عاقل، تیزبین و نکته سنج به دور از تعصب مذهبی یا وطنی. به دور از تبعیض کاخ شاهان و امارات فرمانروایان را وصف می‌کند ناصر خسرو نویسنده‌ای است با فکری پخته و انشایی دلکش. که هر کسی یکبار داستان سفر او را بخواند کافی است. آن قدر از تنوع موضوعات برخوردار است که باید مکرر و بارها خوانده شود. ناصر خسرو درباره‌ی بهای نان، انگور، عسل، جامه و دستار، مقراض، حصیر، آب و خرما و شتر و نیز درباره‌ی مشاهره‌ی عمال دیوانی {حقوق کارمندان}، و اجاره‌ی خانه اشاراتی دارد (شعار، ۵۹: ۱۳۷۱). با خواننده و مخاطب خود به گونه‌ای سخن می‌گوید که بتواند جهان و سرزمین‌های دیده شده او را به چشم ببیند. چون جامعه شناسی در میان مردم است. آن قدر نکته سنج و دقیق است که تصور می‌شود استاد علم اقتصاد، معماری، جغرافیا و همه‌ی دانش‌هایی است که در سفرنامه از آن سخن گفته است. در ویژگی‌های ادبی این اثر همین بس که کاربرد «یجاز» از برجسته‌ترین خصیصه گزارش سفر اوست مثلاً در یک بند از داد و ستد، امنیت و مالیات سخن می‌گوید. موضوعی که امروزه در دنیای شتاب زده و کم حوصله مخاطبان بسیار

اهمیت یافته است.

«مبالغه در ذکر وقایع، سخن نابجا و سخیف و مغرضانه به هیچ وجه در سفرنامه وجود ندارد و از خرافات و افسانه‌سرایی هرگز مایه نگرفته است؛ زیرا ناصر خسرو واقع بین هرگز از عقاید پوسیده و افکار عوام الناس پیروی نمی‌کند» (شعار، ۵۹: ۱۳۷۱). نویسنده در توصیف شهرها و آشنا نمودن مخاطب خود از جملات کوتاه و کلی استفاده می‌نماید. جملات بریده بریده رسا و پُر محتوا از خصایص بارز نوشته‌های سفرنامه نویسنده است.

برخی بزرگان چون ملک‌الشعرای بهار معتقدند که سفرنامه ناصر خسرو کتابی علمی است نه ادبی. در مورد بخش نخست هیچ تردیدی نیست و نگاهی فهرست وار به گزارش او مؤید این نظر است. اما سوال این جاست اگر ادبی نبود چگونه ادیبان و بزرگان این همه شرح و تحلیل بر آن نگاشتند؟ و مورد توجه آنان قرار گرفت؟ اگر جایی در ادبیات فارسی نداشت چگونه مورد نظر واقع گردید و مکرر در واحدهای درسی قرار گرفت؟ چگونه مخاطب امروزی نثر دوره غزنوی او را می‌خواند؟ چرا او را بزرگ‌ترین و دانشمندترین سیاحان و دنیا دیدگان معروف می‌دانند؟

۲-۸-۳- حقیقت‌گویی

ناصر خسرو اذعان می‌دارد که وقتی در جوزجانان بود پیوسته شراب می‌خورد. و اگراهی در بیان آن ندارد چرا که بنابر نظر او پیامبر می‌فرماید: «قُولُوا الْحَقَّ وَ لَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ». توضیح و گزارش او در سفرنامه نیز راستین و به دور از بیهوده‌گویی است «اگر در بیان سخنی یا رویدادی تردید دارد، به تردید خود اشاره می‌کند تا خواننده به غلط نیفتد. سخنان ناصر سرشار از صداقت و یک‌دلی است. خاصه که این سخنان را به زبان متداول بی‌هیچ تصنعی روی کاغذ آورده -است» (شعار، ۲۱: ۱۳۷۱).

۲-۸-۴- تحلیل ساختاری سفرنامه‌ی ناصر خسرو

«از دیدگاه ساختاری ناصر خسرو را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین ساختار شکنان تاریخ دانست. در کار او منطق ساختار همان منطق واقعیت است» (محمدی، ۱۶۴: ۱۳۸۰). ناصر خسرو در طول سفر خود هر کجا را دیده و هر آن چه از ثقات و معتمدان شنیده به تفصیل و با شرح جزئیات بیان کرده است: صنایع محلی، صنعت غالب، محصول ممتاز محل، استحکامات شهرها، انواع بناهای عمومی، نوع آبیاری مزارع و باغ‌ها، کیفیت کسب، نوع داد و ستد، روابط مردم با یک‌دیگر، معتقدات مذهبی و سیاسی، عادات و رسوم آنها، حوادث تاریخی، امنیت یا نایمنی راه‌های مهمان‌نوازی، دستگیری از مسافران، مردمان سرشناس و مشهور محل، فرمانروایان و حکام محلی، بیان ضرب‌المثل‌های قدیم، نام قدیم دیه‌ها، رودها، وضعیت آب و هوایی، پوشش گیاهی، تعداد رودخانه‌هایی که به دریا می‌ریزند، وضعیت

دادن و گرفتن مالیات‌ها را نقل کرده و باز گفته است؛ و پوشیده و در پرده هیچ سخنی در سفرنامه طرح نشده است.

۲-۸-۴-۱- تاریخ شروع حرکت و ذکر اطلاعات جغرافیایی مسافت شهرها و کوه‌ها

این نکته حاوی اطلاعات بسیار جامع و کاملی برای پژوهشگران جغرافیا است «از مرو به سَرَخس شدم، که سی فرسنگ باشد، و از آن‌جا به نیشابور چهل فرسنگ است» (ناصرخسرو، ۳: ۱۳۸۹).

۲-۸-۴-۲- تاریخ بنای اماکن علمی و بناها و توصیف مساجد

«به جایی رسیدیم که آن‌جا مسجدی بود می‌گفتند که اویس قرنی، قدس الله روحه، ساخته است» (ناصرخسرو، ۱۰: ۱۳۸۹).

۲-۸-۴-۳- ذکر نام بزرگان

از سن، ظاهر فیزیکی، زبان، ویژگی‌های اخلاقی، موقعیت فرد، میزان اشراف به علوم معارف زمان سخن به میان آمده است. «و این مرد در شعر و ادب به درجه‌ای است که افاضل شام و مغرب و عراق مقرّند که در این عصر کسی به پایهی او نبوده است و نیست نهاده... و پیوسته زیادت از دویست کس از اطراف نزد وی ادب و شعر خوانند و شنیدم که او را زیادت از صد هزار بیت شعر باشد» (ناصرخسرو، ۱۸-۱۹: ۱۳۸۹).

۲-۸-۴-۴- بیان شهرسازی، شیوه آب‌رسانی، و شغل‌ها

«و قزوین را شهری نیکو دیدم، بارویی حصین و کنگره بر آن نهاده بازارهایی خوب مگر آن که آب در وی اندک بود و منحصر به کاریزها در زیر زمین. و از همه صنّاع‌ها که در آن شهر بود کفشگر بیشتر بود» (ناصرخسرو، ۵: ۱۳۸۹).

۲-۸-۴-۵- امور مملکت داری و سیاست

«گفتند آن امیر را قلعه‌های بسیار باشد و عدل و ایمنی تمام باشد چنان که در ولایت او کسی نتواند که از کسی چیزی ستاند و مردمان که در ولایت وی به مسجد آدینه روند همگی کفش‌ها را بیرون مسجد بگذارند هیچ کس کفش آن کسان را نبرد.» (ناصرخسرو، ۷: ۱۳۸۹).

۲-۸-۴-۶- نوع بنای شهرها و طول و عرض جغرافیایی

«و به کنار شهر قلعه‌ای است بنیادش بر سنگ خاره است.» «آن شهر شهری آبادان، طول و عرضش به گام پیمودم هر یک هزار و چهارصد بود» (ناصرخسرو، ۷-۸: ۱۳۸۹).

۲-۸-۴-۷- در بیان باورها و عقاید و رسوم

«کودکی را دیدم گل سرخ و یکی سپید تازه در دست داشت، و آن روز پنجم اسفند

دارمذ ماهِ قدیم بود» (ناصرخسرو، ۲۲: ۱۳۸۹)

۲-۸-۴- ذکر واحد وزن، پول و ترازو

«و معامله آن‌جا به پول باشد و رطل ایشان سیصد درم باشد» (ناصرخسرو، ۱۰: ۱۳۸۹).

۲-۸-۴-۹- ذکر بلایای طبیعی

«مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد شب پنج شنبه هفدهم ربیع الاول سنه

اربع و ثلاثین و اربعمایه و در ایام مستترقه بود» (ناصرخسرو، ۸-۹: ۱۳۸۹).

۲-۸-۴-۱۰- بیان دین و مذهب، ذکر جمعیت شهرها و شهرت اقتصادی آنها

«و گفتند که بیست هزار مرد در این شهر است و سواد و روستاهای بسیار دارد و آن‌جا

کاغذ نیکو سازند مثل کاغذ سمرقندی» (ناصرخسرو، ۲۱: ۱۳۸۹).

۲-۸-۴-۱۱- اداره کشتی‌ها و دریاها، عقاید صوفیه و آداب بزرگان نام چشمه‌ها

و رودها

محل قبور بزرگان و مشاهیر زمان، ایمنی و نایمنی راه‌ها، آبیاری، درآمد خزانه و

پرداخت هزینه حوادث نجومی آسمانی و زمینی و تاریخی، پرورش جانوران اهلی، وسیله

حمل و نقل و... .

۲-۸-۴-۱۲- سبک نوشتار

۲-۸-۴-۱۳- مضمون

«روش ناصر در سفرنامه به خلاف سایر آثار به ویژه دیوان اشعارش به گونه‌ی

دیگراست. وی می‌خواهد دیده‌ها و شنیده‌های خود را به خواننده منتقل کند بی‌هیچ پیرایه

و گرایش مذهبی و برای این کار زبان متداول را برمی‌گزیند، حتی گفتار او درباره‌ی مردم

لحسا و ابوسعید جنابی قرمطی (شعبه‌ای از اسماعیلیه) بی‌طرفانه و تا حدی انتقادآمیز

است» (شعار، ۱۹: ۱۳۷۱).

۲-۸-۴-۱۳- نگاه سبک شناسانه

استفاده از جملات سره فارسی «بهره‌جوی از آن نگاه پرسیدم»: با حالتی سوالی پرسیدم.

«و بیش از پیش در شگفت گفت»: که کاربرد امروزی آن در زبان نوشتار یا گفتار «با

تعجب» است.

«واپسین سرنام‌هایی که می‌بینم» نگریستم: نگاه کردم استفاده از «بیش» به جای

«بیشتر». استفاده از «فرجام» به جای «انتها» و «آخر». «همگنان» به جای «همه».

«نشستگاه» به جای «صندلی». «همان‌سان» به جای «همان‌طور». در رده و دراز آهنگ

به جای «در صف طولانی». «یکی از خصوصیات برجسته و بسیار مهم نثر سفرنامه، ساختار

پُر انعطاف جمله‌های آن است» (محمدی، ۱۶۳: ۱۳۸۰).

۲-۹-تحلیل ساختاری سفرنامه نزاری

نزاری در سفرنامه کم‌تر از یک دهم ابیات سفرنامه خود را به تفصیل ماجراهای سفر و ذکر نام شهرها و شرح و وصف آنها و بیان اخلاق و رفتار مردمان آن‌جا اختصاص داده و اشارات مختصری به موقع جغرافیایی و اوضاع سیاسی آن زمان دارد و حدود نزدیک به نود درصد آن مشتمل بر ذکر عقاید و نقل حکایات و داستان‌های اخلاقی و صوفیانه و نکات معنوی و سیر و سفر درونی است.

۲-۹-۱-آغاز سفرنامه

با تحمیدیه است. توصیف خداوند در ابیاتی رسا که سوره توحید را به اختصار و جامع و استادانه در خود جای داده است.

لم یکن باکا (پاکا؟) له کفو احد کافرید از خاک انسان را جسد

(نزاری، ۳۰: ۱۳۹۱)

سپس به خلقت انسان اشاره دارد که از خاک آفریده شد. مضمونی مشترک با دیگر شاعران، آنها که در ستایش پروردگار به ستایش از آفرینش بشر نیز می‌پردازند. بیشتر متون عرفانی چنین مفاهیم مشترکی را دارند. عطار شاعر عارف نامدار نیز الهی‌نامه و منطق الطیر خود را با همین مضمون آغاز کرد که نشان از تأثیر آن بر نزاری است.

به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک

(عطار، ۳۱۲: ۱۳۸۸)

آفرین جان آفرین پاک را آنکه جان بخشید و انسان خاک را

(عطار، ۱: ۱۳۷۴)

از دیگر مفاهیم در توصیف خداوند درک و شناخت پروردگار است. معتقد به عجز و ناتوانی و عدم قدرت عقل در معرفت خدا است. یادآور اندیشه سنایی در حدیقه است. همان ذهنیات او در باب معرفت حق که بسیاری از شاعران بر آن معتقدند.

آنکه عاجز کرد ذات پاک را عقل را از غایت ادراک او

(نزاری، ۳۱: ۱۳۹۰)

هیچ دل را به کنه او راه نیست عقل و جان از کمال آگه نیست

(حدیقه الحقیقه، ۸: ۱۳۸۱)

۲-۹-۲-روابط بینامتنی

خلق هر اثر هنری برگرفته از تجارت دیده یا شنیده شده‌ی هنرمند است. که با گره خوردن به تجارب شخصی او از زندگی، ایده هنری او شکل می‌گیرد. و بدین‌گونه می‌توان گفت هر متنی بر پایه‌ی متنی دیگر به صورت ناخودآگاه یا آگاه بنا می‌شود. نزاری شاعر از

این امر مستثنی نبود و بر شاعران پس از خود تأثیر گذاشت، همان‌گونه که از پیشینیان تأثیر پذیرفت. با توجه به چنین نگاهی می‌توان دید که وحشی بافقی هم بیتی با چنین مضمونی دارد که نشان از تأثیر فکری شاعران از یک‌دیگر است.

۲-۹-۳- اعتقاد به قدم ذات باری تعالی و حدوث عالم

در ادامه‌ی تو صیف از خداوند، بیتی است که می‌توان با اندیشه‌های فلسفی فلاسفه مقایسه نمود.

آنکه بر هستی ذاتش هر چه هست حجتی دارد ز دیوان الست

(نزاری، ۳۰: ۱۳۹۱)

أَلَسْتُ وَ قَالُوا بَلَى (اعراف ۷/آیه ۱۷) «وَأَن اشارة به روز میثاق است یعنی روزی که ارواح به ربوبیت حق اقرار آوردند به مدلول آیه «أَلَسْتُ بِهِ رَبِّهِمْ؟ قَالُوا بَلَى» آنکه شخص معرفت را ذات از وست کل موجودات و مخلوقات از وست

(نزاری، ۳۲: ۱۳۹۱)

یادآور اندیشه‌ای دیگر از سنایی که در ردّ نظر فلاسفه بیانی قدرتمند داشت. چرا که «فیلسوف به قدم عالم معتقد است و انفکاک معلول (=عالم) را از علت (=خدا) مُحال می‌شمارد» (حدیقه الحقیقه، ۲۵: ۱۳۸۱).

سه واژه «ذات»، «شخص» و «الست» از کلماتی است که بسیار در ابیات شاعران قبل از نزاری به چشم می‌آید.

مدح پیامبر اکرم (ص) پیشوای اهل ایمان که جان مخلوقات از اوست:

پیشوای اهل ایمان مصطفی شخص موجودات را جان مصطفی
آن محمد کز قبول داورش سجده گاه جن و انس آمد درش

(نزاری، ۳۲: ۱۳۹۱)

ابیاتی که در ستایش رسول بزرگوار آمده موقوف المعانی است با ابیاتی از سنایی که او نیز به همین ترتیب بعد از حمدیه به تمجید از رسول گرامی پرداخته است. همه او را به سروری خویش برگزیدند. هر دو شاعر از پیغمبر با لفظ مشترک «جان» یاد می‌کنند. می‌تواند تلمیحی به حدیث «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْآفَلَكَ» یا «لَوْلَا أَنْتَ لَمَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ» باشد اگر تو نبود (یا اگر تو را نبود) سپهرها را نمی‌آفریدم، یا اگر تو نبودی آفریدگان را نمی‌آفریدم» (حدیقه، ۱۳۸۱: ۶۲).

آمد اندر جهان جان هر کس جان جان‌ها محمد آمد و بس

(حدیقه الحقیقه، ۵۹: ۱۳۸۱)

آن محمد کز قبول داورش سجده گاه جن و انس آمد درش
(نزاری، ۳۲: ۱۳۹۱)

۲-۹-۴- حقیقت گویی و حقیقت خواهی شاعر

من ز حق گویم که نپسندد خرد هرگز از باطل نگویم نیک و بد
(همان، ۳۲)

در نگاه او آنان که در جای حق نشستند و با راستی و حقیقت خواهی آشنایند. بدعت اندازی را نمی‌پذیرند و به رسم و سنت پیغمبر وفادارند. اینان که پیرو آیین رسول خدایند پاک دین و پاک بازند و همین پاک رأیان عاشقان واقعی‌اند.

داستانی از ریاست بی‌نیاز پاک دین و پاک رأی و پاک باز
جمله صاحب درد اما بیمارض جمله عین عشق اما بی‌غرض
(همان، ۳۳)

عشق در نگاه شاعر جنبه‌ی تقدس می‌یابد. آن را عجین با سرشت انسان می‌داند. کیست پیر عقل با چندان کمال طفل ابجدخوان عشق لالال
(همان، ۳۳)

۲-۹-۵- عشق در نگاه نزاری و مولانا

این عشق در نگاه شاعر نام و ننگ نیست. نام و ننگ عاشقان چون شیشه و سنگ است که در کنار هم نمی‌توانند قرار گیرند. نرسیدن به معشوق در پی خود رنج و سختی دارد و در این راه سستی و کاهلی مانع رسیدن به مقصود خواهد شد.

کام دل بر سنگ بدنامی زند یا سر خود گیر و رو آزاد وار
(نزاری، ۵۱: ۱۳۹۱)

در برابر عشق نباید غرّه بود، با عقل بودن در برابر عشق چیزی جز رنج و کاستن جان نیست. تلبیس ابلیس هوس را دفع کن. باور این که عاشقی ملازم درد و رنج است از بن مایه‌های شعری بسیاری از شاعران قبل و بعد از نزاری است. نگاه نزاری به عشق چون دریایی است که جان، ماهی دریای عشق است. عشق غذای جان است و او را زنده نگه می‌دارد. در نگاه مولانا آتش عشق است که در دم و نفس نی و عامل فریاد اوست. پس نی و نفس هر دو از عشق زنده‌اند. دلیل دیدن حق با چشم وجود عشق است.

گر نبودی عشق همراه نفس دم نیارستی زد اندر عشق کس
ور نه نور عشق بودی در بصر کس نیارستی به حق کردن نظر
(همان، ۳۵)

مولانا عشق را خوش سودا و طبیب همه بیماری‌ها می‌داند. فرهاد به نیروی عشق کوه

را شکافت.

شاد باش ای عشق خوش سودای ما ای طیب جملہ علت‌های ما

(مثنوی مولوی، ۹۶: ۱۳۷۹)

در نظر مولانا هر که از عشق بهره برد از حرص و عیب پاک می‌گردد. و در نظر نزاری کسی که از عشق بهره نبرد دلش پاره سنگی است. ستایش نزاری از عشق و در نظر گرفتن چنین مقامی والا برای او یادآور ابیاتی از مولاناست. با همان قدرت بیان مولانا از چنین نیروی درونی سخن به میان می‌آورد.

هر که را جامه ز عشقی چاک شد او ز حرص و عیب کلی پاک شد

(مثنوی، ۹۶: ۱۳۷۶)

۲-۹-۶- زاده شدن عقل و عشق از مادر فطرت

در نظر شاعر همین که عقل از مادر فطرت زاییده شد عشق هم چون طفلی همراه او بود. وآسمان با همه‌ی عزّت و عظمتش مانند ذره‌ای در برابر کارعشق است.

جوهر عالم نظام از عشق یافت خاک آدم عزّ و نام از عشق یافت

(نزاری، ۳۴: ۱۳۹۱)

یادآور ابیاتی از ابوسعید ابوالخیر با مضمونی مشترک است:

از شبنم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید نامش دل شد

دکتر مصفا معتقد است که نزاری از شاعران پیش از خود متأثر بوده است و بر شاعران پس از خود نیز تأثیر گذاشته است. «جامی در بهارستان مدّعی است که حافظ شیوه‌ی نزاری را تتبع کرده است و این به نظر بعید می‌آید و جز استقبال از چند غزل نزاری اثر دیگری از او در اساس و بنیاد سبک حافظ ملاحظه نمی‌کنیم و در عوض نزاری خود اشعاری را از خاقانی و سعدی چندین بار استقبال کرده و جواب گفته است» (صفا، ۷۳۹: ۱۳۶۹).

خواجه حافظ شیراز اکثر اشعار او لطیف و مطبوع است. «جامی، که بدون شک بی‌تأمل سخن نگفته، سلیقه شعر حافظ را نظیر سلیقه‌ی نزاری می‌داند با این تفاوت که، شعرهای نزاری شامل غث و سیمین (خوب و بد) هر دواند، ولی در مورد حافظ چنین نیست» (یان ریپکا، ۳۶۰: ۱۳۸۱). این بیت از حافظ، متأثر از نزاری است:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

(حافظ، ۶۴۱: ۱۳۹۲)

جسم خاک از عشق بر افلاک شد کوه در رقص آمد و چالاک شد

(مثنوی، ۹۶: ۱۳۷۹)

ذره‌ی حسن از نقاب آمد پدید
عاشقان را اضطراب آمد پدید فتاد
(نزاری، ۳۴: ۱۳۹۱)

۲-۹-۷- آغاز کتاب

از حال و هوای خود در شروع سفر دوساله‌اش، با اندوه سخن می‌گوید. گویی که تمایل چندانی به رفتن از محل زندگی خود ندارد. چرخ را دشمن خود و تند خو می‌داند که چنین سرنوشتی را برایش رقم زد. اعتقاد به طالع در ابیات او به روشنی پیداست.

روزگاری خرم و خوش داشتیم گرچه جایی دل مشوش داشتیم
چرخ بی بنیاد اگر بیخیم بکند قرعه‌ی عزم سفر بر من فکند
(نزاری، ۳۸-۳۹: ۱۳۹۱)

۲-۹-۸- اعتقاد به طالع

طالع فرخنده ز اختر در گرفت
و ز قهستان عزم اردو بر گرفت
(همان، ۴۰)

۲-۹-۹- ذکر تاریخ و زمان سفر

غره‌ی شوال سه شنبه ز تون
سال نو بر ششصد و هفتاد و هشت
بر طریق اصفهان آمد برو
بود کز تاریخ هجرت می‌گذشت
(همان، ۴۰)

مدتها بود قصد داشت که به دیدار شروانشاه برود. خرقة او زهد و تقوی است هنوز بر سر تقوا و پارسایی خود مانده است اما خود را توبه شکسته هم چو زلف یار می‌داند. ایران‌شاه از نزاری خواسته بود «برای خاطر من عزم سفر کن».

مونس ایام تنهایی من راست گویم کحل بینایی من
او چو دیگر پارسایان در صلاح من چو رندان باده در کف هر صبح
(همان، ۴۲)

۲-۹-۱۰- سفرنامه یا محنت نامه

شروانشاه از شاعر خواسته بود که سفرنامه‌ای بنویسد و در آن یاد دوستان را برای یادگاری به نظم بکشد. شاعر سفرنامه‌ی خود را «محنت نامه» می‌نامد.

وقت‌ها با من وصیت کرده بود حق صحبت نیز یاد آورده بود
کز برای خاطر من عزم کن یادگاری دوستان را نظم کن
(نزاری، ۴۳: ۱۳۹۱)

بر این عقیده است که سرگذشت این سفر زیبا و زشت را می‌توان بر روی

تقویمی کهنه هم نگاشت می‌گوید: «همیشه مست بوده‌ام و آدم مست نمی‌تواند ترتیب زمان را نگه دارد و دوستی را شرح دهد.

زین غرض مقصود من افسانه نیست
 هست ذکر دوستان معهود من
 وصف و شرح گلخن و کاشانه نیست
 ذکر ایشانش ازین مقصود من
 (همان، ۴۴)

دلیل دیگر محنت نامه نامیدن سفرنامه عاشقی در تبریز و تحمل اندوه حاصل از آن است و جنگ‌هایی که در سفرشاهد آن بود. از دلایل دیگر علاقه و وابستگی زیاد به زادگاهش بیرجند بود.

۲-۹-۱۱- نکات اخلاقی

۲-۹-۱۱-۱ از خدا برای گناهانش طلب بخشش می‌نماید. شعر خود را شعر فراق و هجران می‌نامد.

۲-۹-۱۱-۲- صداقت‌گویی

می‌کوشد که نیک و بد، همه را بگوید و بدین ترتیب محنت‌نامه‌اش از ریاخالی باشد.
 نیک و بد در هم زدم بسیار کی
 هست در پهلوی هر گل خارکی
 (همان، ۴۵)

۲-۹-۱۲- تبریز و توصیف آن

ای باد صبا روز سپاهان به قهستان
 بگذر چو به قاین رسی از طرف گل‌ستان
 (باراداین، ۱۳۳: ۱۳۳۷)

۲-۹-۱۳- توصیف گرجستان

مردمانی با چشمانی سبز و مویی زرد و چهره‌ای سرخ چون مریخ، دارند که دایم روی از خورشید پوشیده‌اند به همین دلیل افرادی «لاجرم خامند و ناجوشیده‌اند».

رنج سفر در الفاظ مأیوسانه و گله‌مند می‌گنجانند با کمی چاشنی امید. گاه سفرنامه رنگ ادبیات تعلیمی را به خود می‌گیرد شاعر از اندوه‌نامه به اندرزنامه می‌رسد. گفت و گویی درونی و خطاب النفس با خود دارد. یک‌باره بعد از ابراز اندوه و غم به شادباشی و دوری از اندوه توصیه می‌نماید. غم را چون موج می‌داند که بر کشتی جان می‌زند پس باید غم دل را از کشتی جان افکند تا کشتی در امان بماند.

از دیگر ویژگی‌های سفرنامه ذکر نام اشخاص و دوستانی است که با آنها ساعت‌ها با جام شراب و ساغر به خوشی می‌پردازد. به نیکی و نیکویی از آنان یاد می‌کند و جدایی از یاران را از مرگ تلخ‌تر می‌داند.

ابن مولانا نصیر شهاب الدین فتوح و تاج الدین می‌ستاید.

۲-۹-۱۴-دم سنان شاعر

نتوانست سخن به دل بسپارد و چهل بیت در نکوهش سنان سرود. دل خوشی از او ندارد و سخن گفتن درباره‌ی او را «جگرخواری» می‌داند. اما به نظر او حرف زدن درباره‌ی سنان به‌تر از بی‌کاری است. و آوردن نام او در کتابش را ننگ می‌داند.

مردک آحاد زشت سرد حشو نه نما در طبع آن غر زن نه نشو

(نزاری، ۸۲-۸۳: ۱۳۹۱)

ده حکایت با موضوعات عشق و عاشقی، مرید و پیر راه طریقت، قبض جان، مستی، مقام فقر، معرفت در فرمان خدا، لزوم داشتن یار در سفر، صداقت در عاشقی و ... آمده است.

۲-۹-۱۵-ترکیبات سفرنامه نزاری

کاربرد فراوان تشبیه در بیت: چون صدف پرورده دُری شب چراغ، یا چو دهقان نوجوان سروی بباغ/ تنگ راهی چون دل مجروح داشت/ چون شب من صبح منزل دور داشت. متصل کردن حرف اضافه به متمم: بباغ. موصوف و صفت: دری شبچراغ اضافه تشبیهی: باد اجل، نوعروس آخرت، باد اجل، نوجوان سرو. اضافه استعاری: خوان گیتی. به کار بردن جناس: صاف و مصاف. کاربرد صفت برتر: عاقل‌تر، تکرار: زار زار، چاک چاک، گرم گرم. جدا کردن فعل پیشوندی: راه بر کندن در مصراع: «برکند دولت در آن ویرانه راه» ترکیب وصفی مقلوب: یار زنده به صورت «زنده یار» آمده است، ژرف چاهی، غرقه‌ی بیگانه. استفاده از افعال پیشوندی: فروشود. کاربرد صفات شمارشی: صد همیان زر. مخفف کردن کلمات: که به جای کوه، یکمه به جای یک ماه، سپه مخفف سپاه، ازو به جای از او، خموش به جای خاموش. کاربرد فعل نهی: متیز. اسم اشاره عربی هذا در مصرع «بر تو خواند عاقبت هذا فراق».

۳-نتیجه گیری

بخشی از ادبیات داستانی و عامه در سفرنامه‌ها مکتوب است. از سوی دیگر از آن جایی که نوشتن را در اختیار عامه قرار می‌دهد منجر به ساده نویسی نثر می‌گردد. با توجه به پژوهش حاضر که آثار سفرنامه‌ای را از سده‌ی سوم تاکنون مورد بررسی قرارداد، سفرنامه‌ی ناصر خسرو بهترین و ادبی ترین سفرنامه‌ها در میان آثار منشور فارسی است که می‌تواند الگوی سفرنامه نویسی ادبی قرار گیرد.

در بررسی دو سفرنامه با هدف معرفی دو نوع متفاوت سفرنامه و پیدا نمودن بهترین الگوی سفرنامه نویسی تفاوت‌ها و از سوی دیگر شباهت‌هایی به چشم می‌خورد که می‌توان در نگارش سفرنامه‌ها، مورد توجه قرار داد و صفاتی که به عنوان عیوب نوشتن آمده‌اند در

متن‌هایی تولیدی آینده رعایت شوند.

۳-۱- سفرنامه ناصر خسرو به نثر است و سفرنامه نزاری به نظم. دلیل انتخاب دو موضوع متفاوت از نظر قالب آن بود که به محض شنیدن سفرنامه تصور غالب آن است که به نثر نگارش یافته باشد در نتیجه بخش زیادی از آثار هر چند غیرادبی نادیده گرفته می‌شوند. در صورت آشنایی ادب دوستان شاید کسانی باشند که بخواهند سفرنامه بسرایند و این خود آغاز فصلی تازه در نظم فارسی باشد.

۳-۲- سفرنامه‌ها نشان دهنده سبک نگارش دوران خود هستند.

۳-۳- نزاری توصیفات شاعرانه دارد و ناصر خسرو توصیفات شعر گونه ادبی به نثر.

۳-۴- سفرنامه ناصر خسرو خالی از حکایات و قصص تعلیمی است. ولی بخش اعظم سفرنامه نزاری اندرزهای اخلاقی و حکایات عقیدتی است و ده حکایت داستان گونه می‌سراید. به نظر باید اندرز در سفرنامه‌ها غیرمستقیم بیایند تا موجب ملال خواننده نشوند. ۳-۵- زمان و مکان سفر، در اثر ناصر خسرو دقیق‌تر و جزئی‌تر است ولی نزاری اصلاً مقید نیست همه جا تاریخ دقیق را بگوید و بدین ترتیب یکی از عناصر سفرنامه نویسی را نادیده گرفته است.

۳-۶- کلام ناصر موجز، ساده و دقیق و جامع است. سخن نزاری ساده و قابل فهم اما جامع نیست.

۳-۷- سفرنامه ناصر خسرو آن قدر از تنوع موضوعات برخوردار است که باید مکرر و بارها خوانده شود. و هر بار خواندن چیزی از لذت آن کم نمی‌کند. در مقابل سفرنامه نزاری سیر داستانی را دنبال می‌کند که مطالب آن منسجم نیست و گاهی به نظر می‌رسد قسمت‌هایی بریده شده است و باید چندبار خواند و یا به زندگی شاعر و دیگر آثار او مراجعه نمود تا سیر سفرنزاری را دریافت.

۳-۸- با توجه به توصیفات ناصر خسرو و شیوه‌ی نگارش، سفرنامه‌ی او تصویری‌تر است.

۳-۹- سفرنامه‌ها در بردارنده‌ی محتوای ادبیات تعلیمی‌اند و از این منظر قابل بررسی می‌باشند.

منابع

- ۱- انوشه، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ‌نامه‌ی ادب فارسی*، جلد دوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- باراداین، چ.گ. (۱۳۳۷). *حکیم نزاری قهستانی*، نشریه فرهنگ ایران زمین، شماره ششم.

- ۳- حافظ، شمس الدین. (۱۳۹۲). شرح غزل‌های حافظ، هروی، حسینعلی، چاپ هشتم، تهران: نشر نو.
- ۴- حلی، علی اصغر. (۱۳۸۱). گزیده حدیقه الحقیقه، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۵- ریپکا، یان. (۱۳۸۱). تاریخ ادبیات ایران، شهابی، عیسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- سعدی، مصلح الدین. (۱۳۸۴). گلستان، یوسفی، غلامحسین، چاپ هفتم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۷- شعار، محمدجعفر. (۱۳۷۱). تحلیل سفرنامه ناصر خسرو، رکنی، عباس، تهران: نشر قطره.
- ۸- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸). سبک شناسی نثر، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات میترا.
- ۹- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران، خلاصه جلد اول و دوم، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۰- ----، ذبیح الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران، جلد سوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۱- عطار، فریدالدین. (۱۳۷۴). منطق الطیر، گوهرین، سید صادق، چاپ دهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۲- ----، فریدالدین. (۱۳۸۸). الهی نامه، تهران: انتشارات خلاق.
- ۱۳- کراچی، روح انگیز. (۱۳۸۸). دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد سوم، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۴- محمدی، عباسقلی. (۱۳۸۰). رازهای خلق یک شاهکار ادبی، تهران، انتشارات.
- ۱۵- مدرس زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۳). از سیستان تا تهران سبک شناسی شعر فارسی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.
- ۱۶- مراغه‌ای، زین العابدین. (۱۳۵۷) سیاحت نامه ابراهیم بیک. هاشم آعاجری، تهران: انتشارات مؤسسه همراه.
- ۱۷- مولوی، جلال الدین محمدبن محمد. (۱۳۷۹). مثنوی معنوی، استعلامی، محمد، چاپ ششم، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۸- ناصر خسرو، حمیدالدین. (۱۳۸۹). سفرنامه، دبیرسیاقی، محمد، چاپ دهم، تهران، انتشارات زوّار.

- ۱۹- نزاری، نعیم الدین. (۱۳۹۱). *سفرنامه حکیم نزاری قهستانی*، رفیعی، محمود، چاپ دوم، تهران: انتشارات هیرمند.
- ۲۰- یاوری، حسین. (۱۳۹۰). *شناخت صنعت جهانگردی و گردشگری*، تهران: انتشارات سیمای دانش.